

نقد و بحث

بر مقاله‌های

خط الجزم و خط کوفی

نوشته آقای امام

سرگذشت و سرنوشت زبان فارسی

نوشته آقای آموزگار

يك تکه کاغذ

ترجمه آقای دکتر حمیدی

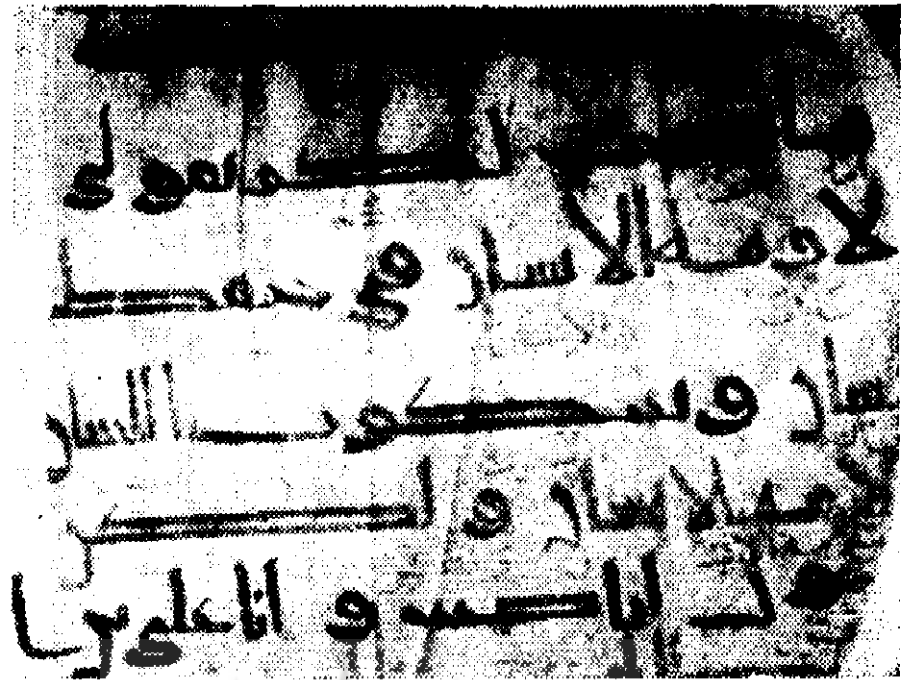
ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

در مجله، سه مقاله ارادتمند را دچار حیرت کرد! یکی آن مقاله دور و درازی که نویسنده محترم آن کوشیده‌اند ثابت کنند خط کوفی کتابخانه آستانه، خط حضرت علی بن ابی طالب است و دلایل ایشان گروهی ناسزا و تقیح و توییح درباره کسانی است که در صحت انتساب آن بامام، تردید و گمان و تأمل قائل بوده‌اند. من نه آن نویسنده محترم را دیده و نه از بخت ناساز با آن مرد دانشمند آشنائی دارم و نه این خط را دیده‌ام و نه باحوال کسانی که مخالفند و گفته‌اند خط امام نیست معرفی دارم، پس يك نشان و يك معنا مرا برانگیخت که

بعرض شما برسانم که منکرین این انتساب شاید حق داشته‌اند بگویند خط امام نیست زیرا یگانه دلیل نویسنده آن مقاله این است که در آخر آن خط کوفی نوشته شده است کتابه علی ابن ابیطالب . و بعقیده من . همین جمله دلیل است که خط امام نیست زیرا این نوع امضا کردن مستحدث است و در صدر اسلام کسانی که خط داشتند شاید این عبارت را بکار نبرده باشند و دیگر آنکه تمام فرمان‌ها و اوامر امام درباره جزیه و سایر احکام با این عبارت محتوم است .. و انا علی ابن ابیطالب ... چنانکه چند سطر از بازمانده حکم امام درباره طایفه «بنی قریظه» در کتابخانه سلطنتی است و مجله اطلاعات ماهانه در شماره هفتم دی ماه سال سی و دو ، در ضمن دیدار از کتابخانه و مصاحبه با مدیرش ، این حقیقت را نوشته و خط امام را عکس بر گرفته و نشان داده است و من درین جا چند جمله از آن مجله نقل می‌کنم:

[در کتابخانه سلطنتی صفحه‌ئی بخط حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام وجود دارد که تا بحال حفظ و نگاهداری شده است. این صفحه که از پوست می‌باشد در پشت و روی آن بخط کوفی مطالبی نوشته شده. تاریخ بدست آمدن این نوشته گران بها معلوم نیست ولی شاه اسماعیل صفوی بخط خود در گوشه آن تصدیق کرده که این نوشته بخط امیر المؤمنین علی علیه السلام است. همچنین شیخ بهائی و شاه عباس صفوی در گوشه دیگر اصالت آن را تأیید نموده‌اند. در یک روی این نوشته که درین جا دیده می‌شود حضرت امیر المؤمنین خطاب بقبیله «بنی قریظه» مطالبی مرقوم داشته‌اند که گویا دنباله صفحه قبل باشد که نیست و صفحه کامل نیست و اطراف آن بریده شده] اطلاعات ماهانه - ماه نهم سال سی و دو .

و چنانکه عرض کردم کلماتی از قبیل «کتابه» و «حرره» و نظایر این‌ها مستحدث است و پیش اصحاب تاریخ و آثار آشکار است و بایراد برهان و استقراء فراوان احتیاجی مشهود نیست.



نمونه خط مبارك حضرت علي بن ابيطالب عليه السلام

اما مقاله دوم تعبیر هنجار در مقام ایجاب و ناهنجار بهنگام نقی است که گویا رسم و راه تازئی باشد بخصوص مواردی که این دو لفظ ایجابی و سلبی درباره آنها بکار رفته است یکجا در خور تأملند. و اما در مقاله سوم در ترجمه ابیات اسکاندیناوی: کلمه «تاه بجای (تای) یا بجای (تا) بکار رفته است و این کلمه از «تا کردن» است نه «تاه کردن».

دیگر ارابه بجای عراده که معرب ارد فارسی است (ارته مسرکوب منسوب بجنک و سربازان).

دیگر تکه کاغذی پراز نوشته (یعنی پراز خط یا پراز کتابت زیرا نوشته خود بمعنای کاغذ مکتوب است).

دیگر خطی خام!

دیگر کمانک بجای پراتنز!